

Genealogy of the Concept of Early Islam in the Islamic Historiography

Hossein Azizi*

Member of the faculty of Isfahan University of Islamic Sciences

Abstract

This study aimed to analyze the genealogy of the popular term 'Sadr ul-Islam' (early Islam) and explore the why and how of its uses in the historiography literature in the last century by using a descriptive and historical analysis method. This term and other similar terms such as 'Sadr ul-Awal' (early period), 'Sadr ul-Awal lil-Islam' (early period of Islam), and 'Sadr ul-Awal fil-Islam' (early period in Islam) have been widely used in historical books, translations, scholarly works, and even in Kalām (Islamic scholastic theology) and Fiqh (Islamic jurisprudence), which all refer to the period from the Prophet Muhammad's era to Tabi'in era (the period from the Prophet Muhammad's era to the Umayyad era) or the period from the Prophet Muhammad's era to the Tabi' al-Tabi'in era (the period from the Prophet Muhammad's era to the first period of the Abbasid era). Despite its widespread use in the contemporary literature, the term is ambiguous and is paradoxically defined at times, and no scholarly work has ever attempted to define it clearly. The analysis of the uses of this term in the historical texts proved effective in the clarification of this term and in the prevention of inappropriate uses of this term in the titles of any book, treatise, or paper.

Introduction

Historical experience shows that fallacies, especially rhetorical fallacies, have always been common, and Plato has written a book about such fallacies and discussed how to avoid them. Despite the need for a clear definition of the concept, a review of different new books, theses, and papers and online searches reveal many works, whose titles contain the concept of 'early Islam'. But no clear definition of the term has yet been provided. In contrast, there is a long history of over a thousand years of the uses of this concept in historical books, translations, scholarly works, including Hadith and Fiqh texts. Despite such a long history of the related literature, no study has ever been conducted on the concept, failing to define it clearly. Therefore, the present research has pursued this aim by relying on ancient historical, jurisprudential, theological and literary sources using descriptive and historical analysis methods.

Material & Methods

The term early Islam as used by the Muhaddiths (Hadith scholars) and Faqihs (Islamic jurists) of the 1st century AH (the 7th century AD) and as also used in the historical books and literary scholarly works, including Kalām and Fiqh texts, of the 3rd century AH to the 5th century AH (the 10th century AD to the 12th century AD) might be explained according to four narratives or traditions: (1) the Prophet Muhammad's era (11-13 AH/610-632 AD), (2) the early Sahaba (companions) of the Prophet Muhammad's era (13-41 AH/610-661 AD), (3) the companions of the Prophet Muhammad's era to the end of the 1st century AH (13-100

* Corresponding author

فصل‌نامه پژوهش‌های تاریخی (علمی)
معاونت پژوهش و فناوری دانشگاه اصفهان
سال پنجاه و پنجم، دوره جدید، سال یازدهم
شماره سوم (پیاپی ۴۳)، پاییز ۱۳۹۸، صص ۶۸-۵۳
تاریخ وصول: ۱۳۹۸/۹/۱۰ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۲/۱۹

تبارشناسی مفهوم «صدر اسلام» در تاریخ‌نگاری اسلامی

حسین عزیزی*

چکیده

این پژوهش در نظر دارد به روش توصیفی و تحلیل تاریخی، تبارشناسی اصطلاح رایج «صدر اسلام» و چرایی و چگونگی کاربرد آن را در ادبیات تاریخ‌نگاری یک صد سال اخیر بررسی کند. کاربرد این اصطلاح و اصطلاح‌های مشابهی همچون «الصدر الاول»، «الصدر الاول للاسلام» یا «الصدر الاول فی الاسلام» در کتاب‌های تاریخ، تراجم، رجال و حتی دانش فقه و کلام پیشینه‌درازی دارد. منظور از این اصطلاحات، بیشتر بازه زمانی دوران بعثت تا عصر تابعان، یعنی دوران پیامبر تا عصر امویان، یا عصر بعثت تا دوره‌ی اتباع تابعان، یعنی دوران بعثت تا عصر نخست خلافت عباسی، است.

بررسی‌ها نشان می‌دهد در گذشته، از این اصطلاح جز یک یا دو نمونه، در «نام» هیچ کتاب و رساله‌ای استفاده نشده است و رواج آن در نام‌گذاری کتاب‌ها و رساله‌ها و مقاله‌های انگلیسی و فارسی و عربی، به بیش از یک قرن و نیم اخیر نمی‌رسد. این اصطلاح با وجود فراوانی‌اش در آثار جدید، دارای ابهام و گاه تعارض است و در هیچ اثر پژوهشی، درباره‌ی معنی آن توضیحی داده نشده است. به نظر می‌رسد مطالعه و بررسی کاربردهای مشهور این اصطلاح در متون قدیم، به رفع ابهام و تعارض کمک شایانی خواهد کرد. دستاورد مهم این پژوهش نیز ارائه‌ی شناسنامه‌ای تاحدودی روشن از یک اصطلاح و پیشگیری از خطاهای رایج در نام‌گذاری کتاب‌ها، پایان‌نامه‌ها، مقاله‌ها و رساله‌های علمی خواهد بود.

واژه‌های کلیدی: تاریخ اسلام، صدر اسلام، تاریخ‌نگاری اسلامی، تبارشناسی.

* استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران hosn.azizi@gmail.com

مقدمه

منطق را دانشِ صیانتِ فکر از خطا، در تصور و تصدیق دانسته‌اند (ابن‌سینا، ۱۴۰۴: ۱۸/۱). در این علم، خطای همنام یا خطای اشتراک لفظی یکی از خطاهای رایج فکر است. مشکل اصلی این خطا آن است که سرانجام، از مغالطه‌توسل به واژه‌های مبهم و گاهی تغییر تعریف سر برمی‌آورد و مخاطب سردرگم می‌شود. مقصود از اشتراک لفظی، صلاحیت داشتن لفظ برای دلالت بر بیش از یک معناست. بیشتر اشتباه‌های مردم و مغالطه‌ها و خلاف‌های ایشان، از دورترین زمان‌ها، از همین وجه لفظی نشئت گرفته است؛ تا آنجا که افلاطون کتابی درباره‌ی صناعت مغالطه تدوین کرده و در آن کتاب، تنها از این قسم مغالطه‌های لفظی سخن گفته است (طوسی، ۱۳۶۱: ۵۱۸؛ فارابی، ۱۴۰۸: ۱۹۸/۱).

از این رو، بر پژوهشگران لازم است پیش از هر بحثی، مقصود خود را از لفظها و عبارت‌ها به‌خوبی روشن کنند تا هیچ سخنی، لجام‌گسیخته و بی‌اساس، گفته نشود؛ زیرا هر لفظی چارچوب ذهنی خاص خود را دارد که گاهی در اثر اختلاف زمان‌ها یا محیط‌ها یا علوم و فنون و همچنین در اثر اختلاف اشخاص، متفاوت و گوناگون می‌شود. سیره‌ی بسیاری از علمای گذشته، مانند ابن‌حیان، ابن‌سینا، خوارزمی، ابن‌حزم، سیدمرتضی و غزالی بر این بوده است (ر.ک: ابن‌حزم، ۱۹۸۳: ۱ تا ۳۵/۱؛ شریف مرتضی، ۱۴۰۵: ۲۶۱/۱ تا ۲۹۱؛ الاعسم، ۱۹۸۵: ۱۶۱ تا ۳۰۱).

باوجود این ضرورت، در میان کتاب‌ها و مقاله‌ها و پایان‌نامه‌های جدید، با مراجعه به تارنماها و موتورهای جست‌وجوگری همچون تارنمای سازمان اسناد و کتابخانه ملی، پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایران‌داک)^۱، بانک اطلاعات نشریات کشور (مگیران)، کتابخانه تخصصی ایران و اسلام،

نورمگز، پورتال جامع علوم انسانی و علم‌نت^۲ و سایت جهانی آرشیو^۳ به صدها نام کتاب و مقاله و رساله فارسی و عربی و جز آنها دست می‌یابیم که اصطلاح «صدر اسلام» بخشی از نام آنهاست؛ اما تاکنون هیچ تعریف و تصویر روشنی از این اصطلاح ارائه نشده است.

این در صورتی است که کاربرد گسترده‌ی این اصطلاح یا اصطلاحات مشابه آن در کتاب‌های تاریخ، تراجم، رجال و حتی در منابع فقهی و حدیثی، چنانکه اشاره خواهیم کرد، سابقه‌ی طولانی و بیش از هزارساله دارد؛ از این رو می‌تواند راهگشای فهم صحیح ما از این اصطلاح باشد.

با وجود این ظرفیت تاریخی، تا جایی که مطالعات نشان می‌دهد، درباره‌ی تبارشناسی این اصطلاح تاکنون هیچ پژوهشی انجام نشده است و معنا و مفهوم آن هنوز در ابهام است. گویا شهرت و کثرت این اصطلاح، همگان را به فهمی ناقص و مجمل، بدون مراجعه به مفهوم مصطلح و تاریخی آن، قانع کرده است.

در التعریفات جرجانی، نفائس‌الفنون آملی، کشف اصطلاحات‌الفنون تهانوی و دائرةالمعارف القرن‌العشرین فرید وجدی مدخلی به نام صدر اسلام یا صدر اول به چشم نمی‌خورد. در دائرةالمعارف اسلام عربی و انگلیسی (The Encyclopedia of Islam)، دائرةالمعارف تشیع، لغت‌نامه‌ی دهخدا، دائرةالمعارف انگلیسی زبان دین (The Encyclopedia of Religion)، در دائرةالمعارف الاسلامیة‌الشعیعیة و دائرةالمعارف انگلیسی زبان ایرانیکا (The Encyclopedia of Iranica) نیز چنین مدخلی به چشم نمی‌خورد.

در این میان تنها می‌توان از دائرةالمعارف فارسی مصاحب نام برد که تعریفی از صدر اسلام ارائه کرده

اول و اعلی یا سرآغاز و منشأ پیدایش و بخش عالی‌تر از تاریخ اسلام به شمار رود؛ از این رو، به احتمال قوی می‌توان گفت معنی و مفهوم «صدر اسلام» جز نقطه آغاز و فراز برتر تاریخ اسلام نیست؛ اما گویا بیشتر نویسندگان قرون نخستین نیز «صدر اسلام» یا «صدر اول»^۹ را امتداد و گسترش اسلام در بستر دوره‌ای تاریخی مهم می‌دانند. دوره‌ای که در آن رویدادهای بزرگی همچون نظام سیاسی، جغرافیای بزرگ دارالاسلام، فکر و اجتهاد دینی، نهضت ترجمه و جنبش بزرگ علمی، تولید و تصنیف کتاب و نیز تأسیس مدارس و مکاتب فکری اتفاق افتاده است؛ برای مثال ابن‌ندیم در آنجا که از انواع خطوط مصحف یاد می‌کند، تصریح می‌کند خالدبن‌ابی‌الهیاج نخستین کسی بود که در «صدر اول» به زیبایی خط شهرت یافت و به کتابت مصحف روی آورد و برای ولیدبن‌عبدالملک و عمر بن‌عبدالعزیز مصحف و شعر و اخبار نوشت (ابن‌ندیم، بی‌تا: ۹).

تبارشناسی «صدر اسلام» در تاریخ‌نگاری معاصر

در ادامه، معلوم خواهد شد این اصطلاح در متن ادبیات اسلامی پیشینه‌درازی دارد و فراوانی کاربرد آن به سده نخست قمری نیز می‌رسد؛ اما تا صدوپنجاه سال اخیر کمتر اثری می‌توان یافت که چنین اصطلاحی در نام آن دیده شود. هنوز به درستی نمی‌توان درباره علت‌های این قبض و تنگ‌دستی در نام‌گذاری کتاب‌ها و رسائل کهن و آن بسط و گشاده‌دستی در نوشته‌های جدید داوری کرد. نخستین نویسندگان جدید نیز که از این نام‌گذاری بهره برده‌اند، به علت‌ها یا دلایل این نام‌گذاری هیچ اشاره‌ای نکرده‌اند.

اما شاید بتوان چند نکته را گوشزد کرد: نکته نخست، توجه و تمرکز نویسندگان قرون نخستین به

است: «صدر اسلام دوره‌ای از اوایل تاریخ اسلام است که حدود کاملاً مشخصی ندارد؛ ولی بیشتر، آن را زمان پیغمبر و خلفای اربعه می‌شمارند». گویا مصاحب، تنها کسی است که معادل انگلیسی (sadre eslam) را در برابر آن نهاده است و در هیچ اثر دیگری این معادل به چشم نمی‌خورد. به هر حال، در این تعریف نیز اعتراف شده است که مفهوم صدر اسلام هنوز روشن نیست؛ البته ادعای دوم، یعنی توافق بیشتر بر اینکه صدر اسلام با عصر پیامبر و خلفای اربعه برابر است نیز، چنانکه توضیح خواهیم داد، بی‌اساس است.

اکنون باید دید ترکیب «صدر اسلام» در ادبیات علمی و منابع مکتوب مسلمانان چه پیشینه‌ای دارد و در این منابع، منظور از آن چیست و چه نتیجه‌ای می‌توان از آن گرفت.

مفهوم‌شناسی «صدر اسلام»

لغت‌شناسان گفته‌اند که صدر هر وسیله‌ای آغاز آن است؛ از این رو نوک نیزه را صدر نیزه می‌گویند؛ چنانکه به پیشران تیر نیز صدر تیر گویند و سینه انسان و چیزهای دیگر را صدر آنها می‌نامند. نیز به همین علت به پیش‌گفتار کتاب تصدیق گفته می‌شود. ابن‌منظور می‌نویسد: «سینه انسان و اسب را از آن جهت صدر می‌نامند که قبل از هر چیزی رؤیت می‌شود؛ لذا می‌گویند: صَدَرَ الْفَرَسُ إِذَا جَاءَ وَ بَرَزَ بِصَدْرِهِ». به همین علت بخش بلند زمین را صدر آن می‌نامند؛ چون پیش از هر قسمتی دیده می‌شود. سرمنشأ افعال و نقطه حرکت از هر مکان را از آن رو مصدر می‌نامند که آنها سرآغاز ساختن فعل و حرکت به شمار می‌روند (جوهری، ۱۴۰۷: ۲/مدخل صدر؛ ابن‌فارس، بی‌تا، ۳/مدخل صدر؛ ابن‌منظور، ۱۴۰۵: ۴/مدخل صدر).^۴

بنابراین اصطلاح «صدر اسلام» می‌تواند به مفهوم

أبوالحجاج یوسف بن محمد بیاسی (در گذشته پس از ۶۵۰ق) است (ابن خلکان، بی تا: ۲۳۷/۷ تا ۲۳۹؛ ذهبی، ۱۴۱۳ق: ۱۵۸/۴۸).

نام یاد شده در کتاب ابن ابی طیفور از آن نظر که پیشینه تاریخی کاربرد این اصطلاح را نشان می‌دهد، درخور توجه است و برخی از فهرست‌نویسان نیز نام کتاب را همین‌گونه ثبت کرده‌اند (سرکیس، ۱۴۱۰: ۳۷۰/۱؛ عواد، ۱۹۹۹: ۱۵۵/۱)؛ اما از عبارت مقدمه نویسنده چنین برمی‌آید که «صدر اسلام» در نام اصلی کتاب نبوده است. بر این اساس، کتاب مفقود شده ابوالحجاج نخستین کتاب تاریخی خواهد بود که به نام آن صدرالاسلام افزوده شده است.

اما کتاب‌ها و مقاله‌ها و پایان‌نامه‌های عربی و فارسی که در حدود صد و پنجاه سال اخیر به چاپ رسیده‌اند و اصطلاح «صدر اسلام» جزئی از نام آنهاست، بسیار فراوان‌اند. در این میان از چند کتاب می‌توان نام برد که حدود صد سال پیش به چاپ رسیده‌اند: *أدباء العرب فی الجاهلیه و صدرالاسلام* از بطرس البستانی (متوفی ۱۸۸۳م/۱۳۰۰ق)، *تاریخ الیهود فی بلاد العرب فی الجاهلیه و صدرالاسلام* نگارش اسرائیل ابو ذؤیب و لفسنون (۱۹۱۴م/۱۳۳۲ق)، *النقود فی الجاهلیه و صدرالاسلام* از امین سعید (۱۹۲۴م/۱۳۴۲ق)، *فجرالاسلام، بیحیث عن الحیاه العقلیه فی صدرالاسلام إلی آخرالدوله الأمویه* از احمد امین مصری که چاپ نخست آن در سال ۱۹۲۹م/۱۳۴۷ق بود؛ بنابراین تا جایی که بررسی‌ها نشان می‌دهد، نخستین آثار پژوهشی تألیف یافته با نام «صدرالاسلام» در سده‌های اخیر، به جامعه عرب و به‌ویژه مصر و شام تعلق دارد.

گذشته از اینها، در سده ۲۰ و ۲۱ میلادی آثار مکتوب فراوانی تألیف یافته و به چاپ رسیده است که به علت وفور و پراکندگی، دشوار می‌توان تمام آنها را در یک

محتوا و متن به‌جای نام‌گذاری و نیز کم‌توجهی یا بی‌توجهی آنها به عنصر زمان در آثارشان است. این بی‌توجهی حتی در میان تک‌نگاری‌های تاریخی و تاریخ‌نگاری‌های حولی و سنواتی به‌وفور دیده می‌شود؛ چه بسا کتاب‌های بزرگ تاریخی که هیچ نامی جز «تاریخ» ندارند، مانند *تاریخ خلیفه و یعقوبی* یا نام‌های عام و کلی دارند، مانند *التاریخ الکبیر بخاری*، *انساب الاشراف بلاذری* یا *المعرفه و التاریخ فسوی* و *شرح الاخبار قاضی نعمان مصری*؛ همچنین کم نیستند آثاری که نامشان مشکوک است، مانند *تاریخ طبری*.

نکته دوم، پیشرفت و گسترش و انشعاب رشته‌ها و تخصصی شدن گرایش‌های علمی در سده اخیر را می‌توان از علت‌های دیگر این تغییر در نام‌گذاری کتاب‌ها و مقاله‌ها دانست؛ برای مثال، روشن است که مفهوم «تاریخ اسلام» در رشته ادیان و مذاهب یا در گرایش تاریخ اندیشه‌های فلسفی و کلامی، با مفهوم «تاریخ اسلام» در تاریخ‌نگاری سنتی تفاوت دارد. بنابراین به نظر می‌رسد پرهیز از مغالطه اشتراک لفظی میان «تاریخ تحولات دین» و «تاریخ حیات دین‌داران»، انگیزه مهم در استفاده از قید «صدر اسلام» برای اشاره به «تاریخ حیات دین‌داران» در «دوره خاص» بوده است؛ هرچند بسیاری از نویسندگان جدید، چنانکه خواهیم گفت، در مقام نام‌گذاری، دقت کافی نکرده و به‌گونه‌ای دیگر، در دام همان مغالطه افتاده‌اند.

براساس بررسی‌های انجام‌شده، شاید بتوان تنها از دو کتاب کهن یاد کرد که چنین نامیده شده‌اند: کتاب *بلاغات النساء و طرائف کلامهن و اشعارهن فی الجاهلیه و صدرالاسلام*، نوشته ابن ابی طیفور (متوفی ۲۸۰ق) که نخستین بار در سال ۱۹۰۸م/۱۳۲۶ق به چاپ رسیده است. اثر دیگر، کتاب *الاعلام بالحروب الواقعه فی صدرالاسلام*

قرار داده است (زیدان، ۲۰۱۲م: ۱/۲۲ تا ۲۴۵).

۳. عبدالحق عیقه در کتاب *تطور النقود فی التاریخ الاسلامی منذ صدر الاسلام الی نهایة الحکم الثمانی* (عیقه، ۲۰۱۱م: ۳)، صدر اسلام را از عصر پیامبر (ص) تا پایان خلافت امام علی (ع) می‌داند؛ همچنین نام مقاله «روند تاریخی آموزش از صدر اسلام تا پایان امویان» از نعمت‌الله صفری فروشانی (۱۳۸۱ش)، به خوبی نشان می‌دهد منظور از صدر اسلامی، دوران پیش از عصر امویان است. این مفهوم در *دائرة المعارف فارسی مصاحب*، مدخل صدر اسلام، نیز دیده می‌شود.

۴. *عصر پیامبر (ص) تا پایان عصر اموی (۱۳ تا ۱۳۲ ق/ ۶۱۰ تا ۷۵۰ م)*: پُتسرس بستانی در کتاب *ادباء العرب فی الجاهلیه و صدر الاسلام*، منظور خود از صدر اسلام را عصر پیامبر و خلفا تا پایان عصر امویان می‌داند (بستانی، ۱۹۹۰: ۲۲۷). از کتاب *فجر الاسلام*، بیحسب عز الحیاء العقلیه فی صدر الاسلام *الی آخر الدوله الأمویه* احمد امین مصری، به طور دقیق همین مفهوم برداشت می‌شود. او در پایان کتاب زیر تیتر «فهرست مهم‌ترین حوادث این دوران» به وفات پیامبر (ص) تا سقوط دولت اموی اشاره می‌کند (امین، ۱۹۶۹: ۳۰۵/۱). در مقاله «النقود فی الجاهلیه و صدر الاسلام» اثر امین سعید (۱۹۲۴ ق/ ۱۹۲۴ م) نیز، نویسنده صدر اسلام را تا اواخر قرن نخست و عصر امویان گسترش داده است.

۵. در کتاب *بامداد اسلام* نوشته عبدالحسن زرین‌کوب (۱۳۶۹ش) نیز فقط حوادث سیاسی عصر پیامبر (ص) تا سقوط امویان بررسی شده است. به نظر می‌رسد آن فقید، «بامداد اسلام» را از «فجر اسلام» امین اقتباس کرده است و می‌توان گفت هر دو نام به گونه‌ای، برگردان مفهوم «صدر اسلام» است.

۶. *عصر پیامبر (ص) تا اواخر دوره نخست*

مقاله معرفی و بررسی و نقد کرد؛ بنابراین تنها راه ممکن، شناسایی و دسته‌بندی جامع شماری از آنهاست. آثاری که در ادامه به آنها اشاره خواهد شد، شامل کتاب‌ها، مقاله‌ها، رساله‌ها، پایان‌نامه‌های فارسی و عربی یا برخی متون فارسی شده است. نام‌های این آثار را می‌توان از نظر وفور و تنوع معانی «صدرالاسلام» به هفت دسته متفاوت تقسیم کرد:

۱. عصر پیامبر (ص) (۱۳ ق.ه تا

۱۱ ق/ ۶۱۰ تا ۶۲۲ م): محتوای کتاب *تاریخ الیهود فی بلاد العرب فی الجاهلیه و صدر الاسلام*، اثر اسرائیل ولفنسون (۱۹۲۷ م/ ۱۳۴۵ ق) نشان می‌دهد منظور از صدر اسلام، عصر رسول خدا (ص) در مکه و مدینه است. کتاب *درآمدی بر تاریخ اسلام از صدر اسلام تا شهادت امیر المؤمنان علی (ع)* نوشته ابوالفضل عابدینی (۱۳۸۴ش) فقط دوران بعثت پیامبر (ص) را صدر اسلام می‌داند. در دو پایان‌نامه «نقش زنان در تحولات سیاسی فرهنگی از صدر اسلام تا سال ۶۱ هجری» پژوهش حمیده گنجی (۱۳۹۵ش) و «بررسی وضعیت اقتصادی مسلمانان در صدر اسلام» اثر محسن طرفدار (۱۳۶۹ش) نیز صدر اسلام همان عصر رسول خدا (ص) است.

۲. عصر پیامبر (ص) و خلفای راشدین

(۱۳ تا ۴۰ ق/ ۶۱۰ تا ۶۶۰ م): تردیدی نیست منظور از صدر اسلام در کتاب‌های *تاریخ صدر الاسلام و الدوله الامویه* از عمر فروخ (۱۹۷۰ م/ ۱۳۴۸ش)، *صدر الاسلام و الدوله الامویه* از محمد عبدالحی محمد شعبان (۱۹۸۷ م/ ۱۳۶۵ش)، *العیون و الطائع فی صدر الاسلام و خلافة الامویین* از خلود مسافر نعمه‌الجناب (۲۰۱۰ م/ ۱۳۸۹ش)، مفهومی جز عصر رسول خدا (ص) و خلفای راشدین نیست. جرجی زیدان نیز در *تاریخ اللغة العربیه* (۲۰۱۲ م/ ۱۳۹۱ش) نیز صدر اسلام، یعنی دوران پیامبر و صحابه نخستین را در برابر عصر بنی‌امیه

عباسیان (۱۳ تا ۲۳۲ ق/ ۶۱۰ تا ۸۴۷ م): شرف‌الدین در مؤلف‌والشیعیه فی صدرالاسلام (شرف‌الدین، ۱۳۸۵ق: ۹۴۹۵)، ابن‌سکیت شاعر (متوفی ۲۴۴ق) را از ادیبان و مؤلفان بزرگ صدر اسلام به شمار آورده و این‌گونه، به بازه زمانی صدر اسلام تا زمان ایشان اشاره کرده است. صالح احمد علی در کتاب امتدادالعرب فی صدرالاسلام (۱۹۸۳م/۱۳۶۱ش)، از عصر بعثت تا اواخر دوره هارون‌الرشید و در واقع، دوره نخست عباسیان را صدر اسلام دانسته است. کمال‌الدین سامح در کتاب العماره فی صدرالاسلام (بی‌تا) نیز دوران نخست عباسیان بغداد و امویان اندلس را جزئی از صدر اسلام می‌داند. عبدالعزیز دوری در کتاب مقدمه فی تاریخ صدرالاسلام (۲۰۰۷م/۱۳۸۶ش)، جنبش عباسیان و نخستین دوره خلافت آنان را بخشی از صدر اسلامی می‌داند.

در پایان‌نامه تاریخ داروشناسی در ایران و بین‌النهرین از صدر اسلام تا مغول، پژوهش سمیه ترکمنی (۱۳۸۹ش)، صدر اسلام مفهوم روشنی ندارد؛ اما با توضیحی که نویسنده درباره نخستین مکتوبات مربوط به داروشناسی می‌دهد، سده دوم و سوم قمری را صدر اسلام می‌داند. هم‌زاده در کتاب آقازادگان صدر اسلام (۱۳۹۱) حتی جعفر (۲۷۱ق/۸۶۶م)، فرزند امام هادی (ع) را از آقازاده‌های ناپارسای صدر اسلام دانسته است و این‌گونه، دوره نخست عباسیان را در صدر اسلام قرار می‌دهد.

۷. عصر پیامبر (ص) تا پایان آل‌بویه
(۱۳ تا ۴۷۷ ق/ ۶۱۰ تا ۱۰۵۵ م): در پایان‌نامه «مطالعه تزئینات حجاری در مساجد تاریخی شهر اصفهان (از صدر اسلام تا پایان دوره قاجار)» نوشته مرضیه طالبی (۱۳۹۳)، قرن چهارم قمری که نخستین حجاری‌ها را پس از آن مقطع تاریخی می‌توان شناسایی کرد، ادامه صدر اسلام تلقی شده است. در پایان‌نامه «بررسی و

تحقیق بناها و اماکن اسلامی (معماری اسلامی) شهرستان نائین از صدر اسلام تا دوره قاجار» نوشته داوود صارمی نائینی (۱۳۷۴ش)، عهد آل‌بویه و سده چهارم و دهه‌های نخست سده پنجم نیز امتداد صدر اسلام به شمار آمده است. چنانکه از نام پایان‌نامه «بررسی نقش‌مایه‌های حیوانی بر روی سفالینه‌ها و منسوجات صدر اسلام (قرن ۱ تا ۵ هجری)» از م‌نا امامی (۱۳۹۳ش) پیداست، قرن‌های اول تا پنجم قمری صدر اسلام دانسته شده است.

۸. دوره نامعلوم: در پایان‌نامه «بررسی تجارت از صدر اسلام تا پایان عصر اول عباسی» از سکینه خدابخشی کاسگری (۱۳۹۳ش)، منظور از صدر اسلام به طور دقیق معلوم نیست و پژوهنده، هیچ تعریفی از آن ارائه نکرده است. در پایان‌نامه «شجاعه علی (ع) فی الشعرالعربی (من صدرالاسلام حتی نهایی العصرالعباسی)» از زحل حسینی آهق (بی‌تا) نیز تعریف روشنی از صدر اسلام نیست و معلوم نیست پژوهشگر چه دوره‌هایی را صدر اسلام می‌داند. در پایان‌نامه «نقش زنان در گسترش تشیع از صدر اسلام تا پایان قرن پنجم هجری قمری» پژوهش زهرا فاضل (۱۳۸۹ش) نیز از صدر اسلام هیچ درک روشنی ارائه نشده است و واضح نیست نویسنده، کدام بخش از این پنج قرن را صدر اسلام دانسته و کدام بخش را صدر اسلام ندانسته است؟

۹. آشفتگی در کاربرد اصطلاح: افزون بر اینها، در عنوان‌های برخی از نوشته‌های فارسی‌زبان، خطاهای فاحشی دیده می‌شود؛ برای مثال، در کتاب تاریخ تحلیلی صدر اسلام: قبل از تولد پیامبر اسلام (ص) تا شهادت امام حسین (ع) نوشته عین‌الله ارشادی (۱۳۷۸ش) و در کتاب تاریخ تحلیلی صدر اسلام (از عصر جاهلیت تا سال چهارم هجری) نوشته حسن قریشی‌کرین و حمید اشرفی خیرآبادی

بیشتری داشته‌اند؛ از این رو، می‌توانند مرجع تشخیص فهم اصطلاحات به شمار روند.^۶

اکنون باید دید «صدر اسلام» در منابع پیشین به کدام دوره تاریخی اشاره می‌کند و چه معنا و مفهومی دارد؟ در پاسخ به این پرسش تا جایی که ممکن بود، بسیاری از آثار قدیم جست‌وجو شد. در این منابع که طیفی از کتاب‌های تاریخی، فقهی، تفسیری، حدیثی، کلامی، ادبی و تراجم را شامل می‌شود، از این اصطلاح به چند گونه متفاوت نام برده شده است. اصطلاح «الصدرالاول من الاسلام»، «الصدرالاول فی الاسلام»، «صدرالاسلام»، «الصدرالاول» و حتی اصطلاح پرپسامد «سَلَف» از شایع‌ترین آنهاست؛ البته مفهوم تمام آنها تا حدودی متراف و همسان است.^۷

کاربرد این اصطلاح‌ها به خوبی نشان می‌دهد ترکیب‌های «الصدرالاول من الاسلام» و «الصدرالاول فی الاسلام»، به ترکیب‌های کوتاه «صدرالاسلام» و «صدرالاول» تقلیل یافته است؛ چنانکه اصطلاح «صدرالاسلام» نیز در کاربردهای فارسی «صدر اسلام»، بدون الف و لام، شده است. در روایت ابن حزم اندلسی، «الصدرالاول» به خود صحابه نیز، نه به عصر آنها، گفته شده است (ابن حزم، بی‌تا: ۴۱۸/۹).

در هر حال، به نظر می‌رسد در این منابع از این اصطلاح، پنج مفهوم یا کاربرد متفاوت اراده شده است:

۱. صدر اسلام به معنی عصر پیامبر (ص) (۱۱ تا ۱۳ ق/ ۶۰۸ تا ۶۱۰ م): این مفهوم از صدر اسلام تا جایی که بررسی شد، به طور معمول در منابع فقهی و فقه‌الحدیثی یافت می‌شود؛ چنانکه بیشتر و پیش از دیگر دانشوران جهان اسلام، در میان محدثان و فقیهان سده نخست و دوم قمری دیده می‌شود. حسن بصری (متوفی ۱۱۰ ق/ ۷۲۸ م) در گزارش حکم فقهی ازدواج مسلمان با غیرمسلمان در صدر اسلام، از

(۱۳۹۵ ش)، عصر جاهلیت و دوران پیش از ولادت رسول خدا (ص) نیز بخشی از صدر اسلام شمرده شده است که می‌تواند در تشامح و کم‌توجهی نویسندگان ریشه داشته باشد.

به احتمال قوی، این اختلاف و آشفتگی در کاربرد اصطلاح صدر اسلام، در چند عامل اساسی ریشه دارد: نخست، خطای وضوح یا وضوح‌نمایی اصطلاح؛ دوم، نبود هرگونه تصویر و تفسیر روشن از این اصطلاح در فرهنگ‌نامه‌ها و اصطلاح‌نامه‌ها؛ سوم، کم‌توجهی نویسندگان معاصر به تعاریف و حدود الفاظ و کلمات؛ چهارم نداشتن اطلاع کافی یا جست‌وجونکردن به اندازه لازم در ادبیات و میراث مکتوب جهان اسلام. این در صورتی است که تاریخ‌پیدایش و رواج این اصطلاح خاص، تا حد چشمگیری در ادبیات و متون گذشته همچون فقه، تاریخ، حدیث و مانند آن به طور کامل روشن است؛ به طوری که اشاره خواهیم کرد، با مطالعه آنها می‌توان در تبارشناسی و کاربرد «صدر اسلام» یا «صدر اول» از نظر نویسندگان پیشین، به جمع‌بندی تاریخی و مطمئنی دست یافت.

تبارشناسی «صدر اسلام» در منابع و تاریخ‌نگاری کهن

در تاریخ معاصر، سهل‌انگاری و افراط و تفریط رایج در انتخاب نام‌ها، عنوان‌ها، لقب‌ها، کتاب‌ها، کسان، مکان‌ها و مانند آنها به چشم می‌خورد. در مقابل، بررسی مفهوم «صدر اسلام» در ادبیات تاریخی، فقهی، حدیثی و کلامی قدیم نشان می‌دهد نخست اینکه آنها در نام‌گذاری آثار، از اصطلاح صدر اسلام هیچ بهره نبرده‌اند؛ دوم اینکه اختلاف و اضطراب کمتری در آثار آنها به چشم می‌خورد و به نظر می‌رسد آنها در نام‌گذاری‌ها و تعریف‌های اسلامی دقت نظر

همین اصطلاح استفاده کرده است (طوسی، بی تا: ۴۰/۶، ۵۸۵/۹). قناده بصری (متوفی ۱۱۸ق/۷۳۶م) «صدر اسلام» را درباره عصر پیامبر به کار برده است (جصاص، ۱۴۱۵: ۴۹/۳، ۳۱۸/۵). او معتقد است در صدر اسلام، طلاق مکرر مشروع بوده است (احسائی، ۱۴۰۵: ۳۷۱/۳).

شریف مرتضی و شیخ طوسی در آنجا که از مشروعیت عقد موقت متعه یا مباح بودن حرف زدن در نماز یا مباح بودن ورود مشرکان به مسجد و احکام طلاق و ارث در صدر اسلام بحث می کنند، صدر اسلام را عصر پیامبر می دانند (شریف مرتضی، ۱۴۰۵: ۳۰۶/۴؛ شریف مرتضی، ۱۴۱۷: ۲۳۶؛ طوسی، ۱۳۸۷: ۴۷/۲، ۶۷/۴، ۲/۵). علامه مجلسی نیز در جایی که به مشروعیت غنا و موسیقی فطری و ملایم در صدر اسلام اشاره می کند، منظورش عصر پیامبر (ص) است (مجلسی، ۱۴۱۰: ۲۵۶/۷۶).^۸

۲. صدر اسلام به معنی عصر پیامبر (ص) و صحابه نخستین در برابر دوران بنی امیه (۱۳ تا ۴۱ق/۶۱۰ تا ۶۶۱م): چنانکه اشاره شد، این مفهوم در آثار بسیاری از نویسندگان معاصر عرب دیده می شود. آنها هرچند به منابع فهم خود، هیچ اشاره ای نکرده اند، می توان حدس قوی زد که فهم آنها ریشه در منابعی دارد که در ادامه می آید:

در میان مورخان، گویا محمد بن حبیب (متوفی ۲۴۵ق/۸۵۰م) نخستین مورخی است که از «صدر اسلام» نام برده است. او در ادامه ذکر نام قبایل قریش که به روش ها و انگیزه های گوناگون، اسلام آوردند، از قبیله آل خراش یاد می کند که به علت ازدواج خراش بن امیه با قده مخزومی وارد «صدر اسلام» شدند، به اسلام درآمدند (ابن حبیب، ۱۴۰۵: ۲۵۷).^۹ مسکویه (۳۲۶ تا ۴۲۱ق/۹۴۱ تا ۱۰۳۹م) نیز در زیر حوادث سال ۱۳۲ق/۷۴۶م و با اشاره به سقوط امویان

به دست ابومسلم، تأکید می کند مردم گمان می کردند رهبران این قیام آنها را به سیره و سنت «صدر اول» دعوت می کنند (مسکویه، ۱۳۷۹ش: ۳/۳۳۳).^{۱۰} روشن است که در گزارش ابن حبیب و معنای صدر اول در عبارت ابن مسکویه، منظور از صدر اسلام عصر پیش از امویان است. از کتاب های ابو حیان توحیدی (متوفی ۴۱۴ق/۱۰۳۲م) دانسته می شود منظور ایشان از صدر اول، عصر پیامبر و خلفای نخستین است (نک: ابو حیان، ۱۴۲۴: ۱۶۶؛ ابو حیان، ۱۴۱۲: ۴۸۷).^{۱۱} از سخنان مرزبانی (متوفی ۳۸۴ق/۹۹۹م) نیز معلوم می شود صدر اسلام، عصر پیامبر و دوران خلفای راشدین است (مرزبانی، ۱۴۱۵: ۴۰، ۴۲، ۱۹۴).^{۱۲}

۳. صدر اسلام به معنی عصر پیامبر (ص) و عموم صحابه (۱۳ تا ۱۰۰ق/۶۱۰ تا ۷۱۹م): براساس پژوهش ابن حجر، دوره عمومی صحابه پیامبر (ص) و بزرگان تابعان مانند سعید بن مسیب، در سده نخست قمری به اتمام می رسد (ابن حجر، ۱۴۱۵: ۲۶/۱)؛ بنابراین، از نظر طیفی از نویسندگان و مورخان پیشین، صدر اسلام به مجموع سال های بعثت پیامبر (ص) در مکه تا پایان سده نخست قمری و اواخر دوره خلافت بنی امیه گفته می شود (۶۱۰ تا ۷۱۸م). به نظر می رسد می توان این مفهوم عام را از منابع زیر استظهار کرد:

ثعالبی (متوفی ۴۲۹ق/۱۰۴۷م) گوشزد می کند مسلمانان در عصر صحابه و صدر اول، نامه های خود را با آیات قرآن و حدیث پیامبر (ص) آغاز می کردند (ثعالبی، ۱۴۲۱: ۱۴۸). ابن رشد اندلسی از اختلاف صدر اول در احکام وضو و دیگر احکام فقهی یاد می کند که در اختلاف نظر در تفسیر آیات وضو و نیز اختلاف احادیث پیامبر ریشه داشته است (ابن رشد، ۱۴۱۵: ۱۹/۱، ۳۶، ۱۸۸). ابن حزم نیز به پیروی از ابن شهاب زهری، صدر اول را همان عصر صحابه

پیامبر می‌داند (ابن حزم، بی‌تا: ۴۱۸/۹).

فخر رازی (متوفی ۶۰۶ق/۱۲۲۴م) در تفسیر خود، عصر صحابه و دوران تابعان را صدر اسلام می‌داند (رازی، ۱۴۲۰ق: ۳۶۲/۵). ابن خلکان (۶۸۱ق/۱۳۰۱م) نیز به شمول مفهوم صدر اول به عصر تابعان عقیده دارد؛ از این رو، هشام بن عروه (متوفی ۱۴۶ق/۷۶۳م) و سلیمان اعمش (متوفی ۱۴۸ق/۷۶۵م) را از علمای صدر اول می‌داند (ابن خلکان، بی‌تا: ۳۰۱/۴ و ۳۰۲). محی‌الدین نووی (۶۷۶ق/۱۲۹۷م)، رجال‌شناس و فقیه و شارح صحیح مسلم، نیز بر این نظر است (نووی، بی‌تا: ۲۵/۱).

جصاص در احکام القرآن صدر اول را دوران صحابه می‌داند (جصاص، ۱۴۱۵ق: ۴۶۴/۲ و ۵۲۶).^{۱۳} باقلانی، متکلم نامدار اشعری،^{۱۴} و دو مورخ متأخر، یعنی ذهبی و سخاوی، نیز صدر اول را با عصر صحابه تطبیق داده‌اند (باقلانی، ۱۴۱۴ق: ۴۴۹ و ۴۷۳؛ ذهبی، ۱۴۱۳ق: ۴۲/۲؛ سخاوی، بی‌تا: ۱۱۵).

۴. صدر اسلام به مفهوم عصر پیامبر (ص) تا عصر تابعان صحابه و بنی‌امیه (۱۳ تا ۱۵۰ق/۶۱۰ تا ۷۵۰م): همان گونه که ابن حجر گوشزد کرده است، دوره آخر طبقه تابعان در حدود سال ۱۵۰ قمری به اتمام رسید و کسانی همچون سلیمان اعمش (متوفی ۱۴۷ق/۷۶۴م) از این طبقه بودند (ابن حجر، ۱۴۱۵ق: ۲۵/۱)؛ بنابراین صدر اسلام عصر پیامبر (ص) تا عصر تابعان، تمام دوران خلافت اموی و دو دهه از نخستین دوران خلافت عباسی را شامل می‌شود (۶۱۰ تا ۷۶۷م).

ابن عربی (متوفی ۵۴۳ق/۱۱۶۱م) در احکام القرآن، عبدالله زبیر صحابی (متوفی ۷۴ق/۶۹۴م) و ابوالحجاج مجاهد تابعی (متوفی ۱۰۴ق/۷۷۸م) را از علمای صدر اول می‌داند؛ بنابراین معلوم می‌شود که از نظر او، صدر اول دوران تابعان و عصر بنی‌امیه را نیز دربرمی‌گیرد (ابن عربی، بی‌تا: ۴۸۴). مورخان، ادیبان و فقیهان بزرگی همچون ابن کثیر (متوفی ۷۷۴ق/۱۳۹۵م)، قلقشندی (متوفی ۸۲۱ق/۱۴۴۱م)، عبدالرؤف مناوی (متوفی ۱۰۳۱ق/۱۶۵۱م)، آلوسی (متوفی ۱۲۷۰ق/۱۸۸۴م) و ابن عابدین (متوفی ۱۲۵۲ق/۱۸۶۲م) نیز بر همین نظرند (قلقشندی، بی‌تا: ۲۴۴/۱؛ مناوی، ۱۴۱۵: ۵۲۵/۱؛ آلوسی، ۱۴۱۵: ۲۶۱/۴؛ ابن کثیر، ۱۴۱۲: ۴۴۳/۳؛ ابن عابدین، ۱۴۱۵: ۴۲/۳ و ۴۳).

کسانی که چنین تفسیری از صدر اسلام دارند، نیز پرشمارند. طبری (متوفی ۳۱۰ق/۹۲۵م) در ادامه بیان ویژگی‌های معتمد عباسی، روایتی از احمد بن ابی داوود؟؟ آید (متوفی ۲۴۰ق/۸۵۷م) نقل می‌کند که نشان می‌دهد، صدر اسلام دربرگیرنده دوران فتوحات عصر امویان و عصر نخست عباسیان نیز می‌شود (طبری، ۱۳۸۷ق: ۱۲۱/۹).

۵. صدر اسلام به مفهوم عصر پیامبر تا پایان عصر نخست عباسیان و اتباع تابعان (۳۱ تا ۲۱۰ق/۶۱۰ تا ۸۲۵م): براساس پژوهش ابن حجر، دوره اتباع تابعان تا عصر شافعی (متوفی ۲۰۴ق/۸۱۹م) و عبدالرزاق صنعانی (متوفی ۲۱۱ق/۸۲۶م) امتداد داشته است (ابن حجر، ۱۴۱۵ق: ۲۵/۱)؛ بنابراین در این تفسیر، اصطلاح صدر اسلام عصر پیامبر تا اواخر عصر نخست عباسیان را نیز شامل می‌شود.

در عبارت‌ها و تعبیرهای گوناگون مسعودی نیز صدر اسلام با عصر امویان و دوران تابعان صحابه تطبیق شده است (مسعودی، ۱۴۰۹ق: ۱۴/۱ و ۱۵ و ۴۴۲). چنانکه گذشت، ابن ندیم خالد بن الهیاج بن بسطام (متوفی حدود ۱۰۰ق/۷۱۷م) را در شمار خطاطان صدر اول می‌آورد و به این ترتیب، دوران تابعان و عصر خلافت امویان را صدر اول می‌داند (ابن ندیم، بی‌تا: ۹).

در کتاب *الاعلام بالحروب الواقعة فی صدر الاسلام*، نوشته ابوالحجاج یوسف بن محمد بن ابراهیم الأنصاری البیاسی (زنده در ۶۵۰ ق/۱۲۶۸ م)، صدر اسلام با عصر پیامبر (ص) تا دوران هارون رشید تطبیق داده شده است.^{۱۵} نویری (متوفی ۷۳۲ ق/۱۳۵۳ م) امام شافعی را از علمای صدر اول می‌داند و ابن شداد (متوفی ۹۸۶ ق/۱۶۰۱ م) تصریح می‌کند بنی‌امیه و برخی پادشاهان بنی‌عباس در شمار حکمرانان صدر اسلام‌اند (نویری، ۱۴۲۳: ۳۲/۷؛ ابن شداد، ۱۹۵۳: ۴/۳).

آنچه از جمع‌بندی این قول‌ها به دست می‌آید آن است که تاحدودی تمام نویسندگان و صاحب‌نظران این پنج گروه، به‌استثنای یک یا دو نمونه، در مکتوبات خود، معانی و مفهوم «صدر اسلام» را در چند مصداق متفاوت اراده و اصطلاح کرده‌اند؛ البته بدون آنکه کتاب یا رساله‌ای را با نام «صدر اسلام» نام‌گذاری کنند. در گروه نخست، شخصیت‌های گوناگون از فقیهان و محدثان شیعه و سنی دیده می‌شوند. از آنجا که در میان این شخصیت‌ها، محدثان و فقیهان قرن نخست قمری، همچون قتاده و حسن بصری، دیده می‌شوند، می‌توان گفت این قول از تمام قول‌های دیگر، کهن‌تر و سابقه‌دارتر است. در گروه دوم نیز شماری از محدثان، فقیهان، مورخان، متکلمان، ادیبان و مفسران دیده می‌شوند. این قول از نظر تاریخی، در محاوره‌ها و باورهای نخبگان قرن دوم ریشه دارد. فراوانی قول سوم نیز در منابع قرون نخستین، درخور توجه است و می‌توان گفت پس از قول نخست، در اولویت قرار دارد و بسیاری از نویسندگان قدیم و جدید با آن توافق کرده‌اند.

اما سابقه قول چهارم نیز به نویسندگان قرن سوم و چهارم می‌رسد و در اینجا نیز مورخان بزرگی همچون طبری و مسعودی و ثعالبی و نیز برخی مفسران، شرح‌حال‌نگاران، محدثان و فقیهان مانند

جصاص و ابن رشد دیده می‌شوند؛ بنابراین این قول نیز می‌تواند همچون قول نخست تا قرن سوم شهرت و اعتبار داشته باشد. قول پنجم در هیچ‌یک از آثار علمی گذشتگان پیشینه‌ای ندارد و فقط در نوشته‌های مورخان پس از سده هفتم قمری دیده می‌شود؛ بنابراین قوت کافی ندارد و به اتفاق آراء، گروه‌های نخست تا چهارم اعتبار ندارند.

نتیجه

استفاده از اصطلاح «صدر اول» یا «صدر اسلام» در نام‌گذاری آثار و پژوهش‌های تاریخی امری نوپدید است و سابقه طولانی ندارد؛ اما پیشینه کاربرد آن را می‌توان در متون دینی و تاریخی قرن نخست و دوم قمری و همچنین در منابع فقهی، کلامی، تاریخی و ادبی قرن‌های سوم و چهارم قمری مشاهده کرد. به نظر می‌رسد استفاده از این اصطلاح، به علت کم‌توجهی مورخان پیشین به ضرورت نام‌گذاری دقیق و نیز نادیده‌گرفتن نقش عنصر زمان در نام‌گذاری، مغفول ماند؛ اما در دوران جدید، به علت گسترش رشته‌ها و گرایش‌های علمی و ضرورت مرزبندی میان اصطلاحات، به همان سرعت و به طرز چشمگیری، استفاده از این اصطلاح در کانون توجه قرار گرفت؛ ولی به علت نبود چشم‌اندازی درست و درخور اتکاء، به مغالطه اشتراک لفظی و هرج و مرج مبتلا شد؛ در حالی که به‌گواهی پژوهش حاضر، چنین چشم‌اندازی دور از دسترس نبوده است.

بر این اساس، می‌توان گفت کاربرد گسترده اصطلاح «صدر اسلام» یا «صدر اول» در زبان محدثان و فقیهان سده نخست و نیز در منابع فقهی، کلامی، تاریخی و ادبی سده‌های سوم تا پنجم قمری، چهار قول یا مفهوم متفاوت و مشهور از این اصطلاح را در اختیار نویسندگان قرار می‌دهد: ۱. عصر پیامبر (ص) (۱۳ ق.ه

<https://archive.org/search.php?query=%28%D8%B5%D8%AF%D8%B1+%D8%A7%D9%84%D8%A7%D8%B3%D9%84%D8%A7%D9%85%29+AND+mediatype%3A%28texts%29&page=3>

۴. وجود مفهوم «اول» و «اعلی» در معنای صدر، سبب شده است تا پس از نیمه قرن پنجم قمری، از «صدر» در حکم لقب‌های شخصیت‌های سیاسی و مذهبی نیز استفاده شود. ذهبی از صدرالاسلام أبوالمیسر محمد بن محمد بزدوی (متوفی ۴۵۶ق) و صدرالاسلام أبوالمظاہر قرشی اسکندری (متوفی ۵۳۳ق) نام می‌برد (ذهبی، ۱۴۱۳: ۳۹۸/۳۰، ۱۰۲/۴۱). به جز این این نمونه‌ها، کاربرد ترکیب «صدر» یا «صدرالدین» از قرن پنجم و ششم به این سو، در کتاب‌های تاریخ و تراجم و رجال عرب و عجم، از شمارش خارج است. گویا غزالی (متوفی ۵۰۵ق)، نخستین عالم دینی است که لقب «صدر» به او داده شده است؛ چنانکه هموست که نخستین بار لقب حجة الاسلام را نیز از آن خود کرده است (حسین باشا: ۱۴۰۹: ۳۵۷، ۳۷۷ و ۳۷۸). در تاریخ بغداد خطیب، حلیه الاولیاء ابونعیم یا رجال شیخ طوسی و مانند آنها که همه از منابع نیمه نخست قرن پنجم اند، تاحدودی هیچ خبری از لقب‌های «صدر» یا «صدرالاسلام» و به‌ویژه «صدرالدین» و مانند آن نیست.

۶. اصطلاح الصدرالاول نیز همانجاست. این اصطلاح نیز مفهوم مقابل ندارد؛ بلکه از باب وصف توضیحی در برابر وصف تقییدی یا احترازی است؛ مانند لاتشرب خمرا مسکرا که مسکر قید توضیحی است و مفهوم ندارد.

۷. به نظر نویسنده، در پژوهش اسنادی دیگری می‌توان نشان داد که در نام‌گذاری‌های کسان نیز میان گذشته و حال، تفاوت فاحشی وجود دارد و بی‌نظمی و غلو و کم‌دقتی‌های فراوانی در نام‌گذاری‌های دیروز و امروز دیده می‌شود.

۸. گاهی در کنار این اصطلاح از واژه «سلف»

تا ۱۱۱ق/ ۶۱۰ تا ۶۳۲م)؛ ۲. عصر پیامبر(ص) و صحابه نخستین (۱۳ تا ۴۱ق/ ۶۱۰ تا ۶۶۱م)؛ ۳. عصر پیامبر(ص) و عموم صحابه تا پایان سده نخست قمری (۱۳ تا ۱۰۰ق/ ۶۱۰ تا ۷۱۹م)؛ ۴. عصر پیامبر(ص) تا پایان عصر تابعان، شامل دوران خلافت امویان و نیمه نخست قرن دوم قمری (۱۳ تا ۵۰ق/ ۶۱۰ تا ۷۶۷م).

هریک از این چهار مفهوم به علت مقبولیت و شهرت بیشتری که در برابر مفهوم بعدی دارد، به ترتیب مرجع نویسندگان خواهند بود و سزاوار است تمام پژوهشگران به آنها توجه تام داشته باشند. با وجود این، بهتر و شاید لازم‌تر آن باشد که نویسندگان برای پرهیز از مغالطه اشتراک لفظی و به منظور رعایت حقوق مخاطبان، از اطلاق اصطلاح «صدر اسلام» پرهیز کنند و مقصود خود را به‌گونه‌ای در نام اثر یا در مقدمه آن توضیح دهند.

پی‌نوشت

۱. در این درگاه، ۱۱۰ پایان‌نامه با نام صدر اسلام ثبت شده است. ۷۴۰ نمونه نیز یافت شده که در چکیده، نام یا متن واژه «صدر اسلام» به کار رفته است.

<https://ganjold.ir/andoc.ac.ir/dashboard?page=11&q=%D8%B5%D8%AF%D8%B1+%D8%A7%D8%B3%D9%84%D8%A7%D9%85+%D8%A7%D9%85%D8%A7%D9%85&qd%5B%5D>

۲. در علم‌نت ۶۷۳ نمونه، قید صدر اسلام در نام کتاب یا مقاله یا پایان‌نامه به کار رفته است.

<https://elmnet.ir/search?and=&exact=%d8%b5%d8%af%d8%b1+%d8%a7%d8%b3%d9%84%d8%a7%d9%85+&or=¬=&author=&pn=4>

۳. در این درگاه، به نام و متن هزاران کتاب و رساله در این باره می‌توان دست یافت که به طور معمول عربی‌اند. این ابر تارنما به بیش از ۴۰۰ بیلیون سایت متصل است.

- استفاده می‌شود. این نشان می‌دهد مفهوم «سلف» و «صدر» هر دو به زمانی خاص و آدمیان آن دوره اشاره می‌کنند. این دو در کنار هم به طور عمده به عصر پیامبر تا دوره تابعان دلالت دارند (نک: جصاص، ۱۴۱۵ق: ۲/۶۶۴، ۵۲۶؛ بحرانی، ۱۴۰۵ق: ۱/۱۱۹؛ ابن‌عابدین، ۱۴۱۵ق: ۵/۵۴۳).
۹. أقول: «فتراهم فی صدرالاسلام و النبی(ص) بین أظهرهم انما يتغنون بالغناء الساذج الفطری الذی طبعوا علیه بفطرة من الله و عرفوه بالهامه عزوجل فتارة يضربون معه بالدف الساذج فی زفافهم و أعراسهم و يغنون بالترنم كما علمهم النبی(ص)» (مجلسی، ۱۴۱۰ق: ۲۵۶/۷۶). درباره دیگر دیدگاه‌های فقها در این بخش (نک: نراقی، ۱۴۱۵ق: ۱۹/۲۴؛ ابن‌قتیبه، بی‌تا: ۱۷۷؛ خمینی، ۱۳۷۶ق: ۱/۱۴۲).
۱۰. ابن‌حیب در کتاب المنمق، فصلی را با نام «مداخل فی قریش فی الاسلام بغير حلف إلا بصهرأ وبصداقه أو...» باز کرده (ابن‌حیب، ۱۴۰۸: ۱/۲۴۹) و از طوایف عرب که با روش‌ها و انگیزه‌های گوناگون، اسلام آوردند نام می‌برد و می‌نویسد: «و منهما لخراش بن‌أمیة، دخل وافی صدرالاسلام بسبب بنکاح خراش بن‌أمیة، قده بنت عرفجة بن عثمان» (ابن‌حیب، ۱۴۰۸: ۲۵۷). نویسنده در جای دیگر در همین کتاب از واژه صدر، به مفهوم آغاز و ابتدای کتاب نیز یاد کرده است: «ماکتبناه فی صدر کتابنا هذا» (ابن‌حیب، ۱۴۰۸: ۲۶۶). نیز در کتاب المحبر وقتی از بازگشت پیامبر(ص) از غزوه دومة‌الجنندل یاد می‌کند، می‌نویسد: «و رجع علیه‌السلام من الطریق فی صدر صفر» (ابن‌حیب، بی‌تا، ۱۱۴). روشن است که صدر در همه این نمونه‌ها، به معنای سرآغاز و ابتداست و صدر اسلام در هر حال، به مفهوم سرآغاز اسلام است و اینکه آنان در اوایل ظهور اسلام، ایمان آوردند.
۱۰. «كان الناس یظنون ببيعة المسودة أنها ترد عليهم سنة الصدر الأول».
۱۱. «فانقضت أيام الصدرالأول بالدين الخالص، و أيام بنی مروان بالرياء و السمعة و أيام بنی‌العباس بالمروات و التوسع فی الشهوات، و لم یبق بعد هذا شیء».
۱۲. درباره دیگر دیدگاه‌های نویسندگان در این بخش، نک: (نجفی، ۱۴۲۱ق: ۳۰/۱۴۹؛ خمینی، ۱۳۷۶ق: ۳/۳۴۱).
۱۳. اتفق السلف من الصدرالاول ان المراد احدهما، لان علیا و ابن عباس و ابوموسی لما تألوه علی الجماع لم یوجبوا نقض الطهاره بلمس اليد.
۱۴. لان هذه الاخبار التي هی اخبار الاحاد التي تدعونها فی النص علی علی، اخبار قد عارضها اجماع المسلمین فی الصدر الاول علی ابطالها و ترك العمل بها لان الامه كلها انقادت لابی بكر و عمر رضی‌الله عنهما و دانت بوجوب اطاعتها و فیهم علی و العباس و عمار و المقداد و ابوذر و الزبیر...
۱۵. این کتاب به جز بخشی از آن، مفقود شده است؛ اما ابن‌خلکان که کتاب را دیده است در معرفی آن چنین می‌نویسد: «ابتدأ فیہ بمقتل عمر بن الخطاب رضی‌الله عنه و ختمه بخروج الولید بن طریف الشاری علی هارون الرشید ببلاد الجزيرة الفراتیة» (ابن‌خلکان، بی‌تا: ۲۳۸/۷).

کتابنامه

الف. کتاب

۱. ابن ابی‌یعلی، محمد بن ابی‌یعلی (بی‌تا)، طبقات الحنابلة، بیروت، دار المعرفه.
۲. ابن‌حیب، ابوجعفر، محمد بن حیب البغدادی، (۱۹۸۵/۱۴۰۵م)، کتاب المنمق فی اخبار قریش، تحقیق خورشید احمد فاروق، بیروت: عالم‌الکتب.
۳. -----، (بی‌تا)، کتاب المحبر، تحقیق

أحكام القرآن، تحقيق محمد عبدالقادر عطا، بيروت: دارالفكر للطباعة و النشر.

۱۴. ابن فارس، احمد بن فارس زكريا، (بی تا)، معجم مقاييس اللغة، تحقيق عبدالسلام محمد هارون، بی جا: مكتبة الاعلام الاسلامی.

۱۵. ابن قتيبه (بی تا)، تأويل مختلف الحديث، قرأها و صححها العلامة فخر العراق محمود الشكري الألوسی، بيروت: دارالكتب العلمیه.

۱۶. ابن كثير، اسماعيل بن عمر، (۱۴۱۲ق/۱۹۹۲م)، تفسير القرآن العظيم، تقديم: يوسف عبدالرحمن المرعشلی، بيروت: دارالمعرفة للطباعة و النشر و التوزيع.

۱۷. ابن منظور، ابو الفضل جمال الدين محمد بن مكرم، (۱۴۰۵ق)، لسان العرب، قم: ادب الحوزه.

۱۸. ابن ندیم، محمد بن اسحاق، (بی تا)، الفهرست، بيروت: دارالمعرفة.

۱۹. ابو حيان، علی بن محمد بن عباس التوحیدی، (۲۰۰۳م/۱۴۲۴ق)، الامتاع و المؤانسه، تحقيق هيثم خليفه الطعيمي، بيروت: مكتبة العصريه.

۲۰. -----
۱۹۹۲م/۱۴۱۲ق)، أخلاق الوزيرين، تحقيق محمد بن تاويت الطنجي، بيروت: دارصادر.

۲۱. احسايي، ابن ابی جمهور محمد بن علی، (۱۴۰۵ق)، عوالي اللئالی العزیزیه، قم: دار سيد الشهداء للنشر.

۲۲. ارشادي، عين الله، (۱۳۸۷ش)، تاريخ تحليلی صدر اسلام: قبل از تولد پیامبر اسلام (ص) تا شهادت امام حسين (ع) سال ۶۱ق، تهران: فردابه.

۲۳. اشرفی خيرآبادی، حميد و حسن قريشى، (۱۳۹۵ش)، تاريخ تحليلی صدر اسلام (از عصر جاهليت تا سال چهلم هجرى)، تهران: نيمروز.

ابلزده ليختنشتيتر، بيروت: دارالآفاق الجديده.

۴. ابن حجر، احمد بن علی، (۱۴۱۵ق)، تقريب التهذيب، دراسه و تحقيق مصطفى عبدالقادر عطا، بيروت: الطبعة الثانية.

۵. ابن حزم، ابو محمد علی بن احمد، (۱۹۸۳/۱۴۰۳م)، الاحكام فى اصول الاحكام، تحقيق الشيخ احمد محمد شاکر، تقديم احسان عباس، بيروت: دارالافاق الجديده.

۶. -----، (بی تا)، المَحَلی، تحقيق الأستاذ الشيخ أحمد محمد شاکر، بيروت: دارالفكر.

۷. ابن خلكان، احمد بن محمد، (بی تا)، وفيات الأعيان و أنباء أبناء الزمان، تحقيق احسان عباس، بيروت: دارالفكر.

۸. ابن رشد، محمد الحفيد، (۱۴۱۵-۱۹۹۵م)، بداية المجتهد و نهاية المقتصد، تنقيح و تصحيح خالد العطار، اشرف مكتبة البحوث و الدراسات، بيروت: دارالفكر للطباعة و النشر و التوزيع.

۹. ابن سينا، ابو علی حسين بن عبدالله، (۱۴۰۴ق)، الشفاء (المنطق)، تحقيق سعيد زايد و ...، قم: مكتبة آيت الله المرعشى.

۱۰. ابن شداد، محمد بن علی، (۱۹۵۳م)، لأعلاق الخطيرة فى ذكر أمراء الشام و الجزيرة، دمشق: المعهد العلمی الفرنسى للدراسات العربیة.

۱۱. ابن صاعد اندلسی، صاعد بن احمد، (۱۳۷۶ش)، التعريف بطبقات الأمم، تهران: مركز پژوهشى ميراث مكتوب.

۱۲. ابن عابدين، محمداه بن دمشقى، (۱۴۱۵ق/۱۹۹۵م)، حاشیة ردالمحتار، إشراف: مكتب البحوث و الدراسات، بيروت: دارالفكر للطباعة و النشر و التوزيع.

۱۳. ابن عربی، ابوبكر محمد بن عبدالله، (بی تا)،

۲۴. الاعسم، عبدالامير، (۱۹۸۹م)، *المصطلح الفلسفي عند العرب، القاهرة: الهيئه المصريه العامه للكتاب*.
۲۵. امين، احمد، (۱۹۶۹م)، *فجر الاسلام، بيحث عن الحياه العقليه في صدر الاسلام الى آخر الدوله الأمويه، ج ۱، ج ۱۰، بيروت: دارالكتاب العربي*.
۲۶. امين، حسين، (۱۴۲۳ق)، *دائرة المعارف الاسلاميه الشيعيه، بيروت: دارالتعارف للمطبوعات*.
۲۷. امين، محسن، (۱۴۰۳ق)، *ايعان الشيعة، بيروت: دارالتعارف للمطبوعات*.
۲۸. آلوسی، محمود بن عبدالله، (۱۴۱۵ق)، *روح المعاني في تفسير القرآن العظيم و السبع المثاني، محقق عبدالباري عطيه على، بيروت: دارالكتب العلميه و منشورات محمد علي بيضون*.
۲۹. باشا حسين، (۱۴۰۹ق)، *اللقاب الاسلاميه في التاريخ و الوثائق و الاثار، القاهرة: الدارالفنيه للنشر و التوزيع*.
۳۰. باقلائي، ابوبكر محمد بن طيب، (۱۴۱۴ق)، *تمهيد الأوائيل و تلخيص الدلائل، تحقيق الشيخ عمادالدين أحمد حيدر، بيروت: مؤسسه الكتب الثقافيه*.
۳۱. بحراني، يوسف بن احمد، (۱۴۰۵ق)، *الحدائق الناضره، محقق و مصحح: محمد تقی ايروانی، سيد عبدالرزاق مكرم، قم: مؤسسه النشر الاسلامي*.
۳۲. بستاني، بطرس، (۱۹۹۰م)، *ادباء العرب في الجاهليه و صدر الاسلام، بيروت: دارنظير عبود*.
۳۳. ثعالي، ابومنصور عبدالملك بن محمد بن إسماعيل، (۱۴۲۱ق)، *تحفة الوزراء، محقق و مصحح حبيب علي الراوي و إبتسام مرهون الضار، بيروت: الدار العربيه للموسوعات*.
۳۴. جصاص، احمد، (۱۴۱۵ق)، *أحكام القرآن، تحقيق عبدالسلام محمد علي شاهين، بيروت: دارالكتب العلميه*.
۳۵. جنابي، خلود مسافر نعمه، (۲۰۱۰م)، *العيون و الطلائع في صدر الاسلام و خلافة الامويين، بي جا: الدار العربيه للموسوعات*.
۳۶. خميني، سيد روح الله الموسوي، (۱۳۷۶ق)، *كتاب الطهاره، قم: چاپخانه حكمت*.
۳۷. دوري، عبدالعزيز، (۲۰۰۷م)، *مقدمه في تاريخ صدر الاسلام، بيروت: مركز الدراسات الوحده العربيه*.
۳۸. دهخدا، علي اكبر، (۱۳۷۷ش)، *لغت نامه، تهران: دانشگاه، زير نظر محمد معين، سيد جعفر شهيدى، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران*.
۳۹. ذهبی، شمس الدين محمد بن احمد، (۱۴۱۳ق)، *تاريخ الاسلام و وفيات المشاهير و الأعلام، تحقيق عمر عبدالسلام تدمري، بيروت: دارالكتاب العربي*.
۴۰. رازی، محمد بن عمر، (۱۴۲۰ق)، *التفسير الكبير؛ مفاتيح الغيب، تحقيق داراحياء التراث العربي، بيروت: داراحياء التراث العربي*.
۴۱. زرین کوب، عبدالحسين، (۱۳۶۹ش)، *بامداد اسلام، تهران: اميرکبير*.
۴۲. زيدان، جرجی، (۲۰۱۲)، *تاريخ الادب اللغه العربيه، القاهرة: مؤسسه الهنداوى للتعليم و الثقافه*.
۴۳. سامح، الدكتور كمال الدين، (بی تا)، *العماره في صدر الاسلام، القاهرة: مؤسسه المصريه العامه للتأليف و الترجمة و الطباعه و النشر*.
۴۴. سخاوی، شمس الدين محمد بن عبدالرحمن، (بی تا)، *الاعلان بالتوييخ لمن ذه التاريخ، بيروت: بی نا*.
۴۵. سرکيس، يوسف اليان، (۱۴۱۰ق)، *معجم المطبوعات العربيه و المعربه، قم: کتابخانه عمومي حضرت آيت الله مرعشي نجفی*.
۴۶. شرف الدين، عبدالحسين، (۱۳۸۵ق)، *مؤلف و*

۵۷. عواد، کورکیس، (۱۹۹۹)، *الدخائر الشریقه*، بیروت: دارالغرب الاسلامی.

۵۸. عیفه، عبدالحق، (۲۰۱۱)، *تطور التقود فی التاریخ الاسلامی منذ صدر الاسلام الی نهائیه الحکم الثمانی*، اردن: جامعه الیرموک.

۵۹. فارابی، ابونصر، (۱۴۰۸ق)، *المنطقیات*، تحقیق و تقدیم محمدتقی دانش‌پژوه، قم: مکتبه آیه‌الله مرعشی.

۶۰. قلقشندی، احمد بن عبدالله، (بی‌تا)، *صحح الأعشی فی صناعه الانشاء*، بیروت: دارالکتب العلمیه.

۶۱. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، (۱۴۱۰ق)، *بحار الأنوار*، بیروت: مؤسسه الطبع و النشر.

۶۲. مرزبانی، محمد بن عمران، (۱۴۲۵ق)، *معجم الشعراء*، بیروت: دار صادر.

۶۳. مسعودی، أبو الحسن علی بن الحسن بن علی، (۱۴۰۹ق)، *مروج الذهب و معادن الجواهر*، پژوهش اسعد داغر، قم: دارالهجره.

۶۴. مسکویه، ابوعلی مسکویه الرازی، (۱۳۷۹)، *تجارب الامم*، تحقیق ابوالقاسم امامی، تهران: سروش.

۶۵. مصاحب، غلامحسین، (۱۳۵۶ش)، *دائرة المعارف فارسی*، ج ۲، تهران: فرانکلین.

۶۶. مناوی، عبدالرؤف، (۱۴۱۵ق)، *فیض التقدیر شرح الجامع الصغیر*، تصحیح احمد عبدالسلام، بیروت: دارالکتب العلمیه.

۶۷. نجفی، محمدحسن، (۱۴۲۱ق)، *جواهر الکلام*، قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم السلام.

۶۸. نراقی، مولی احمد بن محمد مهدی، (۱۴۱۵ق)، *مستند الشیعه فی احکامه الشریعه*، قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم السلام.

۶۹. نووی، محی‌الدین یحیی بن شرف، (بی‌تا)، *المجموع*، بیروت: دارالفکر.

الشیعه فی صدر الاسلام، تقدیم و اشراف احمد حسینی اشکوری، بغداد: مکتبه الاندلس، نجف: مکتبه النعمان.

۴۷. شریف‌المرتضی، علی بن حسین بن موسی، (۱۴۰۵ق)، *رسائل المرتضی*، تحقیق و تقدیم السید احمد الحسینی، اعداد السید مهدی الرجایی، قم: دارالقرآن الکریم.

۴۸. -----، (۱۴۱۷ق)، *المسائل الناصریات*، تهران: رابطه الثقافه و العلاقات الاسلامیه.

۴۹. طبری، محمد بن جریر، (۱۳۸۷ق)، *تاریخ الأمم و الملوک*، تحقیق محمد أبو الفضل ابراهیم، بیروت: دار التراث.

۵۰. طوسی، خواجه نصیرالدین، (۱۳۶۱)، *اساس الاقتباس*، تصحیح مدرس رضوی، تهران: دانشگاه تهران.

۵۱. طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن، (بی‌تا)، *التبیان فی تفسیر القرآن*، قدم له الامام المحقق الشیخ آغابزرگ تهرانی، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

۵۲. -----، (۱۳۸۷ق)، *المبسوط فی فقه الامامیه*، تهران: المکتبه المرتضویه لحياء الآثار الجعفریه.

۵۳. عابدینی، أبو الفضل، (۱۳۸۴)، *درآمدی بر تاریخ اسلام از صدر اسلام تا شهادت امیر مؤمنان (ع)*، تهران: جهاد دانشگاهی.

۵۴. عبدالحی، شعبان محمد، (۱۹۸۷)، *تاریخ صدر الاسلام و الدوله الامویه*، بیروت: الاهلیه للنشر و التوزیع.

۵۵. علی، صالح احمد، (۱۹۸۳م)، *امتداد العرب فی صدر الاسلام*، بیروت: مؤسسه الرساله، الطبعة الثانيه.

۵۶. عمر فروخ، (۱۹۷۰)، *تاریخ صدر الاسلام و الدوله الامویه*، بیروت: درالملايين.

۷۰. نویری، شهاب‌الدین أحمد بن عبدالوهاب، (۱۴۲۳ق)، *نهایة الأرب فی فنون الأدب*، قاهره: دارالکتب و الوثائق القومیة.
۷۱. وجدی، محمدفرید، (بی‌تا)، *دائرة المعارف القرن العشرين*، ج ۵، بیروت: دارالفکر.
۷۲. ولفسون، اسرائیل، (۱۹۲۷م)، *تاریخ اليهود فی بلاد العرب فی الجاهلیة و صدر الاسلام*، ترجمه لجنه التألیف و الترجمة، قاهره: مطبعة الاعتماد.
۷۳. همزاده، مهدی، (۱۳۹۱)، *آقازادگان صدر اسلام*، تهران: بین‌الملل.
- ب. پایان‌نامه**
۱. امامی، منا، (۱۳۹۳ش)، *بررسی نقش‌مایه‌های حیوانی بر روی سفالینه‌ها و منسوجات صدر اسلام (قرن ۱ تا ۵ هجری)*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام‌نور استان تهران.
۲. ترکمنی، سمیه، (۱۳۸۹ش)، *تاریخ داروشناسی در ایران و بین‌النهرین از صدر اسلام تا حمله مغول*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.
۳. خدابخشی، سکینه، (۱۳۹۳)، *بررسی تجارت از صدر اسلام تا پایان عصر اول عباسی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه تربیت معلم.
۴. صارمی نائینی، داوود، (۱۳۷۴)، *بررسی و تحقیق بناها و اماکن اسلامی (معماری اسلامی) شهرستان نائین از صدر اسلام تا دوره قاجار*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه تربیت مدرس.
۵. طالبی، مرضیه، (۱۳۹۳)، *مطالعه تزینات حجاری در مساجد تاریخی شهر اصفهان (از صدر اسلام تا پایان دوره قاجار)*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، اصفهان: دانشگاه هنر اصفهان.
۶. طرفدار، محسن، (۱۳۳۶)، *بررسی وضعیت اقتصادی مسلمانان در صدر اسلام*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
۷. فاضل، زهرا، (۱۳۸۹)، *نقش زنان در گسترش تشیع از صدر اسلام تا پایان قرن پنجم هجری قمری*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه پیام‌نور مرکز تهران.
۸. گنجی، حمیده، (۱۳۹۵)، *نقش زنان در تحولات سیاسی فرهنگی صدر اسلام تا سال ۶۱ هجری*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، قم: دانشگاه معارف اسلامی.
- ج. مقاله**
۱. صفری فروشانی، نعمت‌الله، (۱۳۸۱)، *روند تاریخی آموزش از صدر اسلام تا پایان امویان*، پژوهشنامه حکمت و فلسفه اسلامی، ش ۱.